علی علائی[1]

# نگاهی به آموزش تاریخ معماری در جهان (۲)

تاریخ معماری از علوم پایه در آموزش معماری است؛ اما به سبب ماهیت کاربردی معماری، جایگاه آن در آموزش جدید معماری و شیوهٔ پرداختن به آن محل بحث بوده است. این دانش و مباحث نظری آن، هم به دلیل ماهیـت خود که با امر واقع در گذشته سروکار دارد و هم در پیوند خوردن با مباحث عملی و کاربردی معماری، محل آراء گوناگون صاحب‌نظران بوده؛ و از این‌رو، روشها و نظریه‌های متعدد در آموزش تاریخ معماری در مجموعهٔ آموزش معماری پدید آمده است. در ایران، با توجه به غنای معماری تاریخی، این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد. بررسی شیوهٔ آموزش تاریخ معماری در دیگر کشورها و زمینه‌های بحث‌انگیز آن در افزودن دانش تجربی این رشته مؤثر است.

در چند شمارهٔ مجلهٔ انجمن مورخان معماری، مقالاتی در آموزش تاریخ معماری به چاپ رسیده که در آنها، نویسندگانْ آموزش معماری را در حوزه‌های مختلف جهان بررسی کرده‌اند. ترجمهٔ خلاصه‌ای از آنها در این مقاله گرد آمده است.

در بخش نخست این مقاله در شمارهٔ پیش، خلاصه‌ای از هفت مقالهٔ تحقیقی دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس، امریکای لاتین، انگلستان، استرالیا، ایالات متحدهٔ امریکا، بلژیک، هلند، ژاپن و فرانسه ارائه شد. که از مجلهٔ *انجمن مورخان معماری*[2] در فاصلهٔ سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ م تهیه شده بود.[3] در این مقاله، مطالب بخش نخست جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود.[4]

ابتدا سعی می‌کنیم به منظور ارائهٔ تصویری کلی از آنچه در بخش نخست آمد، موضوعات مورد توجه نویسندگان را دسته‌بندی و در قالب عناوینی کلی‌تر، حتی‌المقدور بدون دخل و تصرف، عرضه کنیم. سپس با توجه به نیازها و فوایدی که اصولاً از چنین تحقیقاتی می‌توان انتظار داشت، آنها را تجزیه و تحلیل کنیم. پیش از آن، تذکار دو نکته ضروری است: همان‌گونه که در مقدمهٔ بخش نخست آمد، از آنجا که مقالات را نویسندگان مختلف نوشته‌اند، محتوا و ساختار مشابهی ندارند. علاوه بر این، به‌واسطهٔ گستردگی موضوعات در هر یک از مقالات، غیر از دو استثنا، مطالب چندان عمیق نمی‌نماید. این دو نکته، دسته‌بندی مطالب و تجزیه و تحلیل آنها را دشوار می‌کند؛ از این رو، سعی خواهد شد که اولاً نواقص مقالات برطرف شود؛ ثانیاً با تمسک به منابع دیگر و تجربیات نگارنده، مطالب تجزیه و تحلیل گردد.[5] امید است خوانندگان محترم نقایص احتمالی این نوشته را به‌واسطهٔ دشواریهای یادشده ببخشند.

موضوعات مربوط به آموزش تاریخ معماری را که بیشتر نویسندگان بدانها توجه کرده‌اند می‌توان در قالب این پنج عنوان اصلی دسته‌بندی کرد: تاریخچهٔ آموزش تاریخ معماری، مکانها و دوره‌ها و مدرسان آموزش تاریخ معماری، کتابها و منابع و مراجع آموزش تاریخ معماری، محتوا و شیوه‌های آموزش تاریخ معماری، اهداف و کاربردها و دیدگاهها در آموزش تاریخ معماری. اکنون به تشریح هریک از این عنوانها می‌پردازیم.

## تاریخچهٔ آموزش تاریخ معماری

در چهار مقاله از آن هفت مقالهٔ[6]، مقدمه‌ای دربارهٔ تاریخچهٔ آموزش تاریخ معماری در کشور یا منطقهٔ مورد نظر عرضه شده که عمدتاً توضیح مختصری دربارهٔ تاریخچهٔ آموزش معماری در بر دارد. مقالهٔ سوزانا تورّس[1] دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در امریکای لاتین و مقالهٔ هیلده هاینون[2] و کریستاده یونگه[3] دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در بلژیک و هلند توضیحات نسبتاً مفصلی دربارهٔ تاریخچهٔ آموزش معماری در این کشورها در بر دارد؛ اما در آنها از تاریخچهٔ تحولات آموزش تاریخ معماری یاد نشده است.

ربورا هاوئرد[4] مقالهٔ خود را دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در انگلستان و استرالیا با طرح مسائل امروزی

(1)

(2) Hilde Heynon

(3) Kristade Jonge

(4) Debora Howard

در این زمینه آغاز می‌کند و از تاریخچهٔ آموزش تاریخ معماری در این کشورها سخنی نمی‌گوید. البته شایان یادآوری است که تاریخ تحول آموزش تاریخ معماری در کشور انگلستان مسیر قابل توجهی دارد و با نام تاریخ‌نگارانی چون فلچر[۵]، لتابی،[۶] و بلامفیلد[۷] که با رویکردهایی مختلف به موضوع تاریخ معماری از حدود اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم پرداخته‌اند، قابل پی‌گیری است. کانوی[۸] و رونیش[۹] در بخش آخر مقالهٔ «تاریخ معماری چیست؟»، خلاصه‌ای از تحولات آموزش تاریخ معماری در کشور انگلستان را به این شرح آورده‌اند:

> از اواخر قرن نوزدهم، تدریس تاریخ معماری در مدارس معماری انگلستان به منزلهٔ بخش ضروری برنامهٔ آموزشی آغاز شد، اما اَشکال بسیار متنوعی هم پیدا کرد. در آغاز قرن بیستم، [...] لتابی [...] با آموزش سبک‌شناسانهٔ تاریخ مخالفت کرد و در عوض تاریخ معماری را چون مجموعه‌ای از تجارب ساختمانی تدریس نمود.
>
> [...] بلامفیلد [...] از نظام آموزشی مدرسهٔ بوزار پاریس طرفداری می کرد و معتقد بود که هدف از مطالعهٔ شاهکارهای گذشته آن است که بدانیم چگونه به آن درجه از زیبایی رسیده‌اند. وی با تدقیق در شیوهٔ انتظام فضایی و آرایش سطوح و احجام و اشکال و تناسبات، و همچنین طرز عمل با مصالح، اصول ترکیب آن شاهکارها را تحلیل می کرد.[۷]

آموزش تاریخ معماری در مدارس آلمان و اتریش و سوئیس از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد؛ اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین تحول در آموزش تاریخ معماری در کشور آلمان (و نیز اتریش و سوئیس) از حدود سالهای ۱۹۲۰م رخ نمود و قالب سنتی آموزش تاریخ معماری در این کشورها تغییر کرد. سردمدار این تغییر گروپیوس از مدرسهٔ معماری باوهاوس بود. در آلمان، به‌تدریج آموزش سبکهای تاریخی جای خود را به روشها و فنون گذشته داد و نیز آموزش تاریخ معماری رفته‌رفته از کارگاههای طراحی معماری جدا و به صورت درسی مستقل مطرح شد.

آموزش تاریخ معماری در مدارس معماری امریکا از شروع آموزش معماری در این کشور، یعنی از اواخر قرن نوزدهم، و به روش بوزار، یعنی در تعامل با آموزش طراحی معماری و در کارگاههای طراحی معماری آغاز شد. از حدود سالهای ۱۹۶۷م و بعد از نزدیک به سه دهه رکود نسبی که با عقاید گروپیوس در هاروارد و وان درروهه در شیکاگو شروع شده بود، آموزش تاریخ معماری مجدداً جایگاه خود را در مدارس معماری پیدا کرد و با رشد کلاسهای درس تاریخ، معماران مورخ، و انجمنهای مورخان معماری رونق دوباره گرفت.

آموزش تاریخ معماری در ژاپن از اولین سالهای تأسیس رشتهٔ معماری در دانشگاههای این کشور، یعنی تقریباً از اواسط نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، با محتوای تاریخ معماری غربی آغاز شد. مهم‌ترین تحول آموزش تاریخ معماری در این کشور را شاید بتوان وجود مؤثر تاریخ معماری بومی ژاپن در برنامهٔ درسی از حدود اواخر قرن نوزدهم دانست. تحولات دیگری در این کشور در حال وقوع است. موضوعات تاریخ معماری در حال گسترش و هدایت به سوی موضوعات جدید (خارج از ژاپن و معماری دیگر کشورها همچون کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین) است. همچنین موانع موجود بر سر راه ارتباط میان مؤسسات نیز کم‌کم در حال برچیده شدن است.

آموزش تاریخ معماری در فرانسه که بر عهدهٔ مدرسان کارگاهها و معماران بود، از حدود اوایل قرن نوزدهم و با شروع آموزش معماری در بوزار در کارگاههای طراحی معماری شروع شد. اما از حدود ۳۵ سال پیش که روش بوزار در فرانسه زیر سؤال رفت، آموزش تاریخ معماری نیز تنوع زیادی یافت. در روند تاریخی، آموزش تاریخ معماری در فرانسه از دانشکده‌های هنر آغاز شد، که خود آنها قبلاً از دانشکده‌های تاریخ جدا شده بودند.

از مهم‌ترین تحولات آموزش تاریخ معماری در فرانسه شاید تغییر در طیف مدرسان و شیوهٔ آموزش باشد. مدرسان به‌تدریج از صورت معمارانی که تاریخ را در کارگاههای طراحی معماری درس می‌دادند به مورخان تاریخ معماری تبدیل شدند که تاریخ را در کلاسهای نظری می‌کردند.

شاید یکی دیگر از مهم‌ترین تحولات در محتوای آموزش تاریخ معماری باشد. امروزه درس تاریخ

(5) Bannister Fletcher

(6) William Richard Lethaby (1857-1931)

(7) Sir Reginald Theodore Blomfield (1856_1942)

(8) Hazel Conway

(9)Rowan Roanisch

معماری در فرانسه به‌ندرت با دروسی همراه است که نیازمند تهیهٔ نقشه‌های ترسیمی از ساختمانهای تاریخی است. رویکردهای جدید، از جمله توجه به حرفه و مطالعات علوم اجتماعی، شکل‌شناسی و حجم‌شناسی، و یا توجه به موضوعات تاریخ دیگر نقاط جهان به تدریج جای خود را به موضوعاتی دیگر می‌دهد.

## مکانها و دوره‌ها و مدرسان آموزش تاریخ معماری

تقریباً در همهٔ مقالات مورد نظر، مطالبی دربارهٔ مکانهای آموزش تاریخ معماری و مدرسان آن آمده است.

موضوع تاریخ معماری در آموزشکده‌های مختلفی در کشورهای آلمان، اتریش، و سوئیس تدریس می‌شود: در دانشکده‌های هنر و معماری، مدارس معماری، پلی‌تکنیکها، برخی مؤسسات تاریخ و تئوری معماری. غیر از دانشکده‌های هنر که درس تاریخ معماری در آنها اختیاری است، عرضهٔ موضوع تاریخ معماری در دیگر مدارس و مؤسسات در دو سال اول اجباری است. البته دروس تاریخ معماری تخصصی در سالهای بعد از سال دوم عرضه می‌شود و معمولاً اختیاری است.[۸] دوره‌های کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی در آلمان فراوان است؛ اما فقط معدودی دورهٔ کارشناسی ارشد در زمینهٔ تاریخ و تئوری معماری وجود دارد.

در مدارس معماری امریکای لاتین، معمولاً پنج تا هفت درس مرتبط با تئوری و تاریخ معماری در دورهٔ کارشناسی معماری عرضه می‌شود. در این کشورها، تاریخ معماری را بیشتر معمارانی آموزش می‌دهند که درجهٔ دکتری یا تخصص در تاریخ معماری دارند، نه مورخان هنر.

در انگلستان، تاریخ معماری به منزلهٔ بخشی از گرایش تحصیلی در رشتهٔ تاریخ هنر یا درسی تخصصی در رشتهٔ معماری عرضه می‌شود. در این کشور در دو دانشگاه ادینبورو[۱۰] و کیل[۱۱] رشتهٔ کارشناسی در گرایش تاریخ معماری عرضه می‌شود. در استرالیا نیز فقط در دانشکدهٔ معماری دانشگاه ملبورن گرایش تاریخ معماری عرضه می‌شود. متأسفانه به علت نبود کرسی ثبت‌شده برای تاریخ معماری در دانشگاههای انگلستان، مدرسان خودشان یا غیررسمی به این رتبه رسیده‌اند، یا در موضوعات دیگر، همچون تاریخ هنر، کرسی رسمی گرفته‌اند. به همین علت، فقط معدودی از مورخان معماری در بخشهای مهمی همچون گروههای تخصصی دانشگاههای معتبر یا فرهنگستان انگلستان حضور دارند. به علاوه، کم بودن شمار محققان (استادان) امکان جذب دانشجویان دکتری و پیشرفت تحقیقات را نیز کم کرده است.

برنامه‌های تاریخ معماری در ایالات متحد امریکا عمدتاً به واسطهٔ رویدادی خاص یا توجه موردی برخی از اعضای برجستهٔ هیئت علمی دانشکده‌ها شکل گرفته است. به همین سبب، بسیار متنوع است. در سال ۱۹۶۱، گروه معماری دانشگاه کورنل[۱۲] تصمیم به برپایی دورهٔ کارشناسی ارشد و دکتری در رشتهٔ تاریخ گرفت. بعدها در حدود سال ۱۹۷۰، موضوع مرمت نیز به این برنامه اضافه شد. در سال ۱۹۶۷، موضوع آموزش تاریخ معماری در مؤسسهٔ فناوری ماساچوست امتیاز و اعتبار بیشتری یافت. در این زمان آموزش تاریخ هنر در دانشکدهٔ معماری با تاریخ معماری درآمیخته شد. در این مؤسسه، از سال ۱۹۷۴ دورهٔ دکتری در زمینهٔ تاریخ معماری و هنر (تاریخ، تئوری و نقد هنر، معماری و شکل محیط) پایه‌ریزی شد. ضمناً برنامه‌های مشترک تاریخ معماری با دانشگاههای دیگر نیز برپا شد. گرچه در سال ۱۹۷۴ برنامهٔ دکتری معماری در دانشگاه پنسیلوانیا شکل گرفت، تاکنون هیچ‌گاه برنامهٔ آموزشی مستقلی برای تاریخ معماری در این دانشگاه عرضه نشده است. البته نیمی از موضوعات دکتری در این دانشگاه مرتبط با تئوری یا تاریخ معماری است. از اواسط دههٔ ۱۹۶۰ با تشکیل دانشکدهٔ جدید طراحی محیط در دانشگاه کالیفرنیا (برکلی)، گروه تاریخ معماری نیز در دانشکدهٔ معماری پایه‌ریزی شد. برنامهٔ دکتری معماری نیز از چند سال بعد آغاز شد. مدرسهٔ معماری پرینستون در سال ۱۹۱۹ به شکل بخشی از مدرسهٔ هنر و باستان‌شناسی تأسیس شد. برنامه‌های دکتری معماری دانشگاه پرینستون قبل از دکتری در تاریخ ایجاد شد. برنامه‌های دکتری معماری در سه گرایش تاریخ و تئوری، مطالعات اجتماعی، و مطالعات تاریخ فناوری شکل گرفته است. گروه تاریخ معماری در مدرسهٔ معماری دانشگاه ویرجینیا از حدود سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ با برنامه‌های کارشناسی

(10) Edinburgh

(11)Keele

(12) Cornell

و کارشناسی ارشد تشکیل شد. بعدها در حدود سال ۱۹۸۹، دورهٔ دکتری در تاریخ معماری نیز برپا و سپس دورهٔ مرمت تاریخی هم به آن اضافه شد. در هاروارد از حدود سال ۱۹۸۸ (یا حتی قبل از آن) به تاریخ معماری توجه شد. امروزه دکتری در معماری تنها در سه گرایش معماری، فضای باز، و برنامه‌ریزی شهری عرضه می‌شود. مدرسهٔ معماری دانشگاه کلمبیا علی‌رغم داشتن کتابخانهٔ بی‌رقیب ایوری[۱۳] و برنامهٔ آموزش مرمت آثار تاریخی که از مدتها پیش اجرا می‌کرد، برنامهٔ دکتری در تاریخ معماری را بسیار دیر و در سال ۱۹۹۴ آغاز کرد. در ایالات متحد امریکا محور اصلی برنامه‌های تاریخ معماری را گاه معمارانی در دست دارند که دارای درجات متعارف علمی در تاریخ معماری یا تاریخ هنر نیستند.[۹] تاریخ هنر گاه جداگانه در دوره‌های جنبی، و گاه در داخل برنامه‌های آموزشی عرضه می‌شود.

(13) Avery

در هر دو کشور بلژیک و هلند، غیر از مدارس معماری، در برخی از دانشکده‌های تاریخ هنر در دانشگاههای بزرگ نیز درس تاریخ معماری عرضه می‌شود. مدرسان تاریخ معماری در دانشکده‌های تاریخ هنر بیشتر مورخ هنرند؛ اما مدرسان تاریخ معماری که در دانشکده‌های معماری یا در مدارس معماری غیردانشگاهی تدریس می کنند، بیشتر تخصص یا دکتری در تاریخ معماری دارند.

امروزه در بیش از یکصد مؤسسه در ژاپن، از دانشگاههای بزرگ و کوچک گرفته تا مدارس علمی و فنی، تاریخ معماری و تاریخ طراحی و تاریخ طراحی شهری تدریس می‌شود؛ اما محتوای آموزشی در دوره کارشناسی در همهٔ آنها تقریباً یکسان است. تاریخ معماری در دوره های کارشناسی ارشد نیز عرضه می‌شود، اما کاملاً متغیر است. در ژاپن فقط در چهار دانشکدهٔ معماری دکتری در رشتهٔ تاریخ معماری عرضه می‌شود: دانشگاه توکیو، دانشگاه فناوری توکیو، کیوتو، و واسدا[۱۴]. امروزه مورخان معماری در ژاپن به علوم اجتماعی و دیگر علوم گرایش جدی دارند و این گرایشها کم‌کم به آموزش نیز راه یافته است. به همین گونه، به‌تدریج مورخان هنر، منتقدان فرهنگی، و دیگر صاحب‌نظران نیز راه خود را به تاریخ معماری باز می‌کنند.

(14) Waseda

(15) Dietrich Neumann

در «دانشگاههای» فرانسه، تاریخ معماری (به منزلهٔ درسی مجزا و مفصل) بیشتر در دوره‌های کارشناسی ارشد تدریس می‌شود.[۱۰] البته تعدادی درس مرتبط با تاریخ معماری نیز در سالهای اول دورهٔ کارشناسی تدریس می‌شود. برخی از «مدارس معماری» فرانسه که سابقهٔ آموزش تاریخ معماری طولانی‌تری دارند، رهبری تفکر و رویکرد در شیوهٔ آموزش این درس را برای دیگر مدارس به عهده دارند.

آموزش تاریخ معماری در مدارس معماری فرانسه تنوع کمی و کیفی بسیاری دارد، اما ساختار کلی آنها به این شرح است: تاریخ معماری معمولاً در سه سال اول آموزش، و گاهی نیز در سال چهارم به صورت اجباری عرضه می‌شود. در سالهای پنجم و ششم، این درس اختیاری است. بیشترین تعداد مدرسان تاریخ معماری در فرانسه را در مدارس معماری می‌توان یافت و نه در دانشگاهها. در گذشته، معماران تاریخ معماری تدریس می‌کردند؛ اما امروزه مورخان هنر با مدرک دکتری نیز تاریخ معماری درس می‌دهند. البته مورخانی که آموزش معماری دیده‌اند ارجح‌اند. لذا در فرانسه فارغ‌التحصیلان معماری که تحصیلات عالی (مثلاً دکتری) دارند (البته عمدتاً در زمینهٔ علوم اجتماعی، شهرسازی، یا تاریخ، و تعداد کمی با رسالهٔ دکتری در زمینهٔ تاریخ هنر)، که تعداد آنها نیز بسیار است، تاریخ معماری تدریس می‌کنند.

## کتابها و منابع و مراجع آموزش تاریخ معماری

مدرسان در کشورهای آلمان (و نیز اتریش و سوئیس) به سبب محتوای خاصی که برای دروس قایل‌اند و نیز برای دادن آزادی عمل بیشتر به دانشجویان، از معرفی کتابهای مرجع خودداری می‌ورزند و بیشتر جزوه‌های درسی عرضه می‌کنند. به همین علت، دیتریچ نویمان[۱۵] نیز در مقالهٔ خود از وجود کتابهای متعارف آموزش تاریخ معماری در این کشورها یاد نمی‌کند. البته در این مقاله مفصلاً دربارهٔ اهمیت مدارک تاریخ معماری، که تهیهٔ آنها از اوایل قرن نوزدهم در آلمان آغاز شده، توضیحات مفصلی آمده است. مدارس معماری این مدارک را، که شامل نقشه و طرح و نمونک معماری از بناهای قدیمی منطقه است، در نیمهٔ دوم همان قرن در قالب مجموعه‌های آموزشی به صورت کتاب و مجله، نقشهٔ مرجع، تابلو و نمونک آثار تاریخ معماری آماده کرده‌اند. این مجموعه

از آن زمان تا به امروز از منابع اصلی تحقیق است و در برگزاری نمایشگاههای مختلف به کار می‌رود. در کشورهای آلمان، اتریش، و سوئیس یکی از مراجع مهم در آموزش تاریخ معماری مراجعه به خود آثار است. غیر از برگزاری سفرهای علمی به مناطق مختلف جهان، که در برنامه‌های آموزشی سطوح کارشناسی به جد اجرا می‌شود، موضوع بسیاری از دروس یا رساله‌های مرتبط با آثار تاریخ معماری دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در کشورهای مزبور با اقامتهای کوتاه و درازمدت در کنار آثار صورت می‌پذیرد.

در امریکای لاتین علی‌رغم تلاشهای صورت‌گرفته، بیشتر منابع و مراجع آثار تاریخ معماری غیر بومی است. البته در دهه‌های اخیر اقداماتی برای ثبت اطلاعات مربوط به آثار تاریخ معماری بومی انجام گرفته است؛ مثلاً در مرکز اسناد آثار معماری امریکای لاتین[۱۶] در بوئنوس آیرس، یا آرشیو معماری و ساختمان دانشگاه پورتوریکو، و یا مرکز مدارک معماری دانشگاه پاپی کاتولیک شیلی[۱۷]، همچنین اقداماتی که برای چاپ مجلاتی به منظور معرفی آثار تاریخی به انجام رسیده است؛ مثلاً مجلهٔ *مدارک معماری ملی آمریکا*[۱۱] یا اولین کاتالوگ مجلات معماری در کشورهای امریکای لاتین از سال ۱۹۰۰ که دانشکدهٔ نوبنیاد معماری در دانشگاه پلی‌تکنیک پورتوریکو منتشر کرده است. ضمناً در برخی مدارس معماری در امریکای لاتین، خصوصاً در شیلی و اروگوئه، به خود آثار تاریخ معماری نیز مراجعه می‌شود.

در آموزش دانشگاهی انگلستان، برای ارجاع مطالب هر درس از کتابهای واحدی استفاده نمی‌شود؛ در عوض، مجموعه‌ای از کتابهای مناسب و قابل مطالعه عرضه می‌شود تا دانشجویان به مطالعه و نقد و بررسی بیشتر ترغیب شوند. اما برخی کتابهای مرجع مانند *تاریخ هنر جهان* از هیو آنر[۱۸] و جان فلمینگ[۱۹] (شامل نمونه‌هایی از معماری غربی و غیر غربی) یا آثار دیگر نویسندگان چون اسپیرو کوستف[۲۰]، دیوید واتکین[۲۱]، پاتریک نوتگن[۲۲]، نیکولاس پوزنر[۲۳] و *درک معماری*[۱۲] رات[۲۴] و *درک معماری*[۱۳] کانووی و رونیش و همچنان فلچر را می‌توان نام برد. هاوئرد معتقد است که بهترین مدرسان تاریخ معماری کسانی‌اند که این درس را خارج از کلاس و در بسترهای تاریخی عرضه می‌کنند. او می‌افزاید که امروزه با توجه به رشد استفاده از رایانه و دسترس به اطلاعات الکترونیک، طرز استفادهٔ صحیح و کارآمد از این ابزار برای مراجعه و تحقیق از ضروریات آموزش تاریخ معماری به دانشجویان است.

کتابهایی چون *تاریخ معماری غرب*[۱۴] از دیوید واتکین که به زبان هلندی نیز ترجمه شده است، بیشترین مراجعه‌کننده را در کشورهای بلژیک و هلند دارد. به‌علاوه، کتابهای *تاریخ معماری رنسانس، باروک و کلاسیسیسم*[۱۵] از ژان کاستکس[۲۵] و *معماری مدرن*[۱۶] از کنت فرمپتون[۲۶] نیز طرف‌داران زیادی دارد. اطلاعات و مدارک مربوط به آثار تاریخ معماری که از طریق برداشت و بررسی بناها در قالب فعالیتهای دانشجویان در طول تحصیل تهیه و گردآوری می‌شود از منابع و مراجع تحقیق به‌شمار می‌رود. که معمولاً مطالب به‌دست آمده از آنها نیز به صورت مقاله یا کتاب چاپ می‌شود.

یکی از ویژگیهای برجستهٔ آموزش تاریخ معماری در ژاپن وجود منابع و مراجع معتبر در زمینهٔ تاریخ معماری بومی این کشور است. تلاشهای مستمر و ارزنده‌ای که پژوهشگران این کشور در طول قرن گذشته به منظور معرفی آثار تاریخ معماری بومی این کشور کرده‌اند باعث حضور هم‌طراز اطلاعات مربوط به آثار معماری این کشور در کنار آثار کشورهای غربی و نتیجتاً منزوی نشدن معماری این کشور شده است. کتابهای مورد استفادهٔ مدرسان در این کشور متنوع است. برای چندین دهه، مجموعه کتابهای راهنمای تاریخی (با تصاویر و نقشه) که مؤسسهٔ معماری ژاپن[۲۷] تهیه کرده بود از منابع اصلی تاریخ معماری به شمار می‌رفت. از دیگر کتابهای مورد استفاده می‌توان از *معماری مدرن ژاپن*[۱۷] نوشتهٔ فوجیموری[۲۸]، *معماری مدرن و نومدرن*[۱۸] نوشتهٔ سوزوکی[۲۹] و یاماگوچی[۳۰] و *معماری ژاپنی*[۱۹] نوشتهٔ اوتا[۳۱] که دربارهٔ معماری قبل از دوران مدرن است یاد کرد. از دیگر کتب مورد استفاده در معماری غربی می توان به *تاریخ معماری*[۲۰] نوشتهٔ کوستوف، *فضا، زمان و معماری*[۲۱] از گیدئون[۳۲] و *معماری مدرن* نوشتهٔ فرامپتون که همگی به زبان ژاپنی ترجمه شده است اشاره کرد. معماری بومی ژاپنی از موضوعات مهم بسیاری از کتابهای معماری ژاپن است. چایخانه‌ها و مراکز خدمات تجاری زمان اِدو[۳۳]، نمایش‌خانه‌ها و خانه‌های کشاورزی،

(16) Centro de Informacion y Documentacion de la Arquitectura Latinoamericana de la Pontificia Universidad Catolica de Chile.

(17) Pontificia Universidad Catolica de Chile

(18) Hugh Honour

(19) John Fleming

(20) Spiro Kostof

(21) David Watkin

(22) Patrick Nuttgens

(23) Nikolaus Pevsner

(24) Leland Roth

(25) Jean Castex

(26) Kenneth Frampton

(27) Architectural Institute of Japan

(28) Fujimori Terunobu

(29) Suzuki Hiroyuki

(30) Yamaguchi Hiroshi

(31) Ota Hirotaro

(32) Sigfried Gideon

(33) Edo Proid

همه در این کتابها به‌خوبی عرضه شده است. در این میان به خانه‌های کشاورزی، که به لحاظ تاریخی و معنوی و فرهنگی در ژاپن اهمیت دارد، توجه بسیار می‌شود.

استنفورد اندرسون[۳۴] در مقالهٔ خود دربارهٔ تاریخ معماری در مدارس معماری امریکا و باری برگدول[۳۵] و آلیس تومین[۳۶] در مقالهٔ «آموزش تاریخ معماری در فرانسه» به کتابها و منابع و مراجع آموزش تاریخ معماری اشارهٔ مشخصی نکرده‌اند.

(34)Stanford Anderson

(35) Barry Bergdoll

(36) Alice Thomine

## محتوا و شیوه‌های آموزش تاریخ معماری

محتوای درس تاریخ معماری در مدارس معماری کشورهای آلمان، اتریش، و سوئیس عمدتاً موضوعات معمول تاریخ معماری و برداشت، دست‌کم در خصوص معماری قرون نوزدهم و بیستم است. البته در برخی مدارس هنوز مطابق با قالب آموزش سنتی، تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری عرضه می‌شود. در این مدارس ممکن است که موضوعات متنوع جدید با تمرکز بر دوره‌های خاص تاریخی یا نکات جزئی در دوره‌ای خاص، با طرح سؤالات و ملزومات تاریخی در قالبی جذاب عرضه گردد. با وجود این، توجه متمرکز بر موضوع یا زمان ممکن است باعث شود دانشجویان معماری از این مدارس فارغ‌التحصیل شوند، بی‌آن‌که اصلاً مطلبی مثلاً دربارهٔ رایت یا لوکوربوزیه شنیده باشند. در مدارس وابسته به مؤسسات تحقیقات تاریخ معماری در دو سال اول، دروس مربوط به تاریخ معماری، فرهنگ قرون نوزدهم و بیستم، معماری معاصر، مرمت و تاریخ شهرسازی، و در سالهای بالاتر دروس و سمینارهای تاریخ هنر و معماری، تئوری معماری، تاریخ سازه در معماری مدرن، تاریخ فناوری ساختمان، و هنر و شهرسازی عرضه می‌شود. در دانشکده‌های تاریخ یا تحقیق ساختمان، مباحثی چون نقشه‌برداری و برداشت کامل و ترسیم بنا، تحقیق در معماری بومی (با ارزیابی سازه) و نیز آموزش تاریخ معماری عمومی (تا وقایع استثنایی) با تأکید بر تاریخ تغییرات درازمدت (تا وقایع امروزی) عرضه می‌شود. این شیوهٔ آموزش عموماً به دوره‌های باستان‌شناسی اختصاص دارد؛ اما به مرور زمان این روش برای دانشجویان معماری نیز، البته با تأکید بر قرون هیجدهم و نوزدهم برنامه‌ریزی شده است. امکان فعالیت حرفه‌ای (کارآموزی) در بسترهای تاریخی، همچون برداشت و باستان‌شناسی و حتی فرصت فعالیت در معماری غیر غربی نیز برای دانشجویان مهیاست. در پلی‌تکنیکهای آلمان، آموزش تاریخ معماری جنبهٔ کاربردی دارد و بیشتر به مرمت آثار تاریخی (که در کشور آلمان بسیار مورد توجه است) با موضوعاتی چون مرمت سازه‌های تاریخی، حفاظت آثار تاریخی، و تاریخ ساخت‌وساز اختصاص دارد. در این مؤسسات نیز، همچون دانشکده‌های تاریخ یا تحقیق ساختمان، موضوع برداشت ساختمان، البته با جزئیات بیشتر، پی‌گیری می‌شود. روش آموزش تاریخ معماری در این کشورها عمدتاً مبتنی بر استفاده از الگوها، نقشه‌ها و تابلوهای ترسیمی، اسلاید، فیلم و نیز انجام بازدید و نیز بسیار مهم‌تر از همه، سفرهای کوتاه‌مدت و درازمدت (مثلاً به صورت تابستانه در قالب برنامه‌های کارآموزی) است. فعالیتهای معمول در سفرها شامل ترسیم دست‌آزاد، نقاشی، نقد و تحلیل اوضاع موجود است. این سفرها گاه کل یک دورهٔ تحقیقات دانشگاهی را دربرمی‌گیرد.

در برنامه‌های آموزش معماری در کشورهای امریکای لاتین بین موضوعات تاریخ، تئوری، و نقد تفاوت قایل می‌شوند. تئوری معماری معمولاً در قالب درسی مقدماتی برای تفهیم اندیشه‌هایی که معماری غربی را شکل داده است، یا در قالب درسی اختیاری در زمینهٔ متون مربوط به آثار معماری معاصر قرن بیستم، یا رساله‌های معماری عرضه می‌شود. در کل، تئوری معماری در چهارچوب دوره‌های تاریخی عرضه می‌شود. موضوع نقد تنها در معدودی از مدارس فعالیتی همیشگی است. پایهٔ اصلی دروس تاریخ (و تئوری) معماری در سالهای آغازین دورهٔ کارشناسی، برداشت آثار تاریخی (در دوره‌های مختلف، معمولاً از بناها یا شهرهای ماقبل تاریخ تا به امروز) است. موضوعات برداشت عمدتاً در ابعاد جهانی و محدود به ساختمانها، معماران، و سبکهای اصلی اروپایی و غربی است. این مطلب در برخی مدارس در ابتدا با تفسیر و روشی نقادانه آغاز می‌شود؛ و در بعضی دیگر از مدارس، با نمونه‌های متنوع و بسیاری از تاریخ بومی امریکای لاتین همراه است. این موضوع آخر، قبل از تاریخ معماری غرب، گاه جدا از آن و گاه به صورت اختیاری عرضه می‌شود. موضوعات استثنایی

دیگری همچون رویکردهای اجتماعی و اقتصادی نیز در برخی کشورها (مثلاً کوبا) به چشم می‌خورد. خلاصه، محتوای آموزش تاریخ معماری در امریکای لاتین ممکن است در دو گرایش عمده عرضه شود: معماری اروپایی، شامل نشانه‌ها و ساختمانها؛ معماری محلی و منطقه‌ای، شامل ساختمانهای بومی و رویکرد گونه‌شناسی به مفهوم شهرسازی. بیشتر مدارس دست‌کم یک درس مرتبط با معماری بومی یا امریکای لاتین در برنامهٔ آموزش معماری خود دارند.

آموزش تاریخ معماری درایالات متحد امریکا ابتدا مطابق با شیوهٔ بوزار و در تعامل با کارگاههای طراحی معماری آغاز شد. سپس تمایل بر این بود که تاریخ معماریِ گذشته از تاریخ معماری امروزی جدا شود و نیز تاریخ معماری را معماران جوانِ باانگیزه تدریس کنند. به همین سبب در آن زمان دروس تاریخ را معمولاً از دانشگاههای تاریخ هنر به عاریت می‌گرفتند، که در آنها نیز تاریخ معماری تنها بخشی کوچک از مباحث تاریخ هنر را تشکیل می‌داد. اما به‌تدریج این وضع تغییر کرد و امروزه تقریباً همهٔ موضوعات تاریخ و تئوری و نقد مورد توجه مدارس قرار گرفته است. کاربردی کردن موضوعات تاریخ معماری (شامل موضوعاتی چون مواد و مصالح، زمینه‌های اجتماعی و محصول نهایی آن) و بحث نقادانه دربارهٔ موضوعات قدیم و جدید در معماری و هنرهای وابسته به آن به‌تدریج وارد مباحث تاریخ معماری شد. تاریخ هنر گاه جداگانه در دوره‌های جنبی و گاه درون برنامه‌های آموزشی عرضه می‌شود. معماری بومی و موضوع فرهنگ در بعضی برنامه‌ها دنبال می‌شود. در مطالعات تاریخی در برخی دانشگاهها، گرایش به معماری بومی و فرهنگی و نیز معماری مبتنی بر «معیار»های غرب یا شرق دور است. گاهی به فرهنگهای غیرغربی مهم نیز در برخی از برنامه‌های فرعی توجه می‌شود. در همهٔ موارد، دانشکده‌ها مسئول تأمین مواد درس تاریخ در آموزش و تمرینهای معماری بوده‌اند؛ اما ارتباط آنها با کارگاه طراحی معماری به شیوه‌های مختلف برقرار می‌شود. مثلاً در دانشگاه هاروارد، علی‌رغم گستردگی مطالعات خارج از دانشگاه، دانشجویان دکتری با برنامه‌های کارگاههای طراحی معماری دانشگاه همواره در ارتباط‌اند. در دانشگاه کلمبیا، علاوه بر ارتباط مزبور، رابطهٔ متقابل مناسبی نیز با گروه تاریخ هنر و باستان‌شناسی وجود دارد.

مباحث تاریخ معماری در آموزش معماری بلژیک دارای استقلال و جدا از کارگاههای طراحی معماری است؛ به همین لحاظ، محتوای درسی گسترده‌تر و متنوع‌تر است. در کنار درسهای تاریخ معماری در این کشور، درسهای تئوری و نقد معماری (و حتی دیگر دروس مرتبط همچون تاریخ شهر) مستقلاً عرضه می‌شود. در بلژیک، موضوع تاریخ معماری بومی این کشور در قرون نوزدهم و بیستم در بسیاری از درسها مطرح می‌شود. اما در هلند، دروس تاریخ معماری بیشتر در تعامل با کارگاههای طراحی معماری عرضه می‌شود. به همین سبب، مباحث تاریخ معماری‌ای که عرضه می‌شود محدود است و محتوایی کلی‌تر دارد. مثلاً در این کشور، تفکیک ضابطه‌مند بین موضوعات تئوری و تاریخ وجود ندارد و مباحث تاریخ، نظریه‌های معماری را نیز فرامی‌گیرد. لذا مباحث تاریخ معماری بیشتر به قرن بیستم و نیز تا حدودی قرن نوزدهم و معماری مدرن متوجه است تا دوره‌های پیش‌تر یا معماری بومی. هیچ‌یک از مؤسسات مورد مطالعه در کشورهای بلژیک و هلند به صورت روشمند به موضوع معماری غیرغربی (یعنی معماری غیر اروپا و شمال امریکا) و نیز معماری قبل از سالهای ۱۸۰۰، در زمرهٔ تاریخ معماری جهان توجه نمی‌کنند. فقط گاهی، بسته به علاقهٔ مدرسان، بخشی از معماری دیگر نقاط جهان مطرح می شود یا در برخی از رساله‌های کارشناسی ارشد یا دکتری تلاشی برای صادر کردن معماری مدرن این کشورها به کشورهای جهان سوم دیده می‌شود. به موضوعات اقتصادی و اجتماعی مرتبط با تاریخ معماری و نیز تاریخ ساختمان یا فنِ ساختمان. به‌ندرت توجه می‌شود؛ اگرچه مرمت معمولاً جزو محتوای درسی رسمی در بلژیک است.

اگرچه موضوعات تاریخ معماری، تاریخ طراحی، و تاریخ طراحی شهری در مؤسسات بی‌شماری در ژاپن تدریس می‌شود، محتوای دروس دورهٔ کارشناسی در آنها تقریباً یکسان است. از میان دروس رسمی، می‌توان به تاریخ معماری غرب، تاریخ معماری ژاپن، معماری مدرن جهان و ژاپن، و تاریخ طراحی و شهرسازی اشاره کرد. گاهی محتوای دروس معماریْ چین و هندوستان و جنوب آسیا را نیز دربرمی‌گیرد؛ اما معمولاً تدریس این مباحث

در دورهٔ کارشناسی نامتعارف است. معماری غرب و ژاپن پیش از دوران مدرن معمولاً جداگانه تدریس می‌شود. مباحث تاریخ معماری پیش از دوران مدرن معمولاً با دوران گذشتهٔ خاور نزدیک تا حدود قرون هیجدهم و نوزدهم، و تاریخ معماری ژاپن از دوران باستان تا پایان دورهٔ ادو (۱۶۱۵–۱۸۶۸م) در میانهٔ قرن نوزدهم پایان می‌یابد. محتوای معماری مدرن معمولاً ترکیبی از معماری غربی و ژاپنی است. موضوعات تاریخ معماری دورهٔ کارشناسی معماری در ژاپن تا این اواخر ثابت بود و معمولاً موضوعاتی چون سبکهای معماری، ظهور و رشد فناوری ساختمان، کاربرد و اهمیت اجتماعی معماری و نیز ترکیبی از معماری غربی و ژاپنی را دربر می‌گرفت. اما موضوعات تاریخ معماری در حال گسترش و هدایت به سوی موضوعات جدید (خارج از ژاپن و معماری دیگر کشورها همچون کشورهای آسیا، افریقا، و امریکای لاتین) است.

در فرانسه، غیر از موضوعات مربوط به قرن بیستم، تا این اواخر مجموعه‌ای از دروس ابتکاری در زمینهٔ تاریخ ساخت‌وساز در دانشگاه پاریس ۱ تدریس می‌شد که نگرشی متفاوت به آموزش تاریخ معماری جدا از مطالبی چون تاریخ هنر قدیم و جدید داشت. در این دانشگاه، تلاشهای مضاعفی نیز به منظور جهت‌دهی مطالب تاریخ معماری مدرن از تاریخ سبکها یا کارهای طراز اول به سوی مطالعهٔ تاریخ مؤسسات حرفه‌ای و ملی صورت گرفته است. اما بر خلاف دانشگاه پاریس ۱، در دانشگاه پاریس ۴ تلاشهای بسیاری می‌شود تا موضوع تاریخ معماری در تاریخ هنر گنجانده شود؛ با این عقیده که معماری جزئی از فرهنگ هنری کلان خود است. در دیگر مؤسسات آموزشی، به جای تاریخ سبکها موضوعات متنوعی چون تاریخ فناوری، برنامه‌ریزی منابع و تاریخ حرفه تدریس می‌شود. اینها نشانه‌های تغییرات آموزش تاریخ معماری در فرانسه است. دانشکده‌های تاریخ هنر به شیوهٔ سنتی عمدتاً به تاریخ سبکها و آثار اصلی معماری می‌پردازند، اما برنامه‌های جدید در حال شکل‌گیری است. از مهم‌ترین آنها برنامهٔ جدید دانشگاهی برای تربیت متخصصان مرمت و مدیریت آثار باستانی است. هنوز آموزش تاریخ معماری در مدارس معماری دربردارندهٔ مطالب معمول و نیز دروسی چون برداشت از بناها از گذشتهٔ دور تا به امروز است؛ البته در برخی از مدارس، این درس از دورهٔ رنسانس آغاز می‌شود. در سالهای سوم و چهارم، دروس تاریخ معماری بیشتر تخصصی می‌شود، همچون بحث دربارهٔ رنسانس ایتالیا، خانه‌سازی با رعایت جنبه‌های اجتماعی، یا مثلاً لوکوربوزیه. در آموزش بعد از سال دوم، عمدتاً با توجه بسیار به اصول مدرن لوکوربوزیه، میس وان‌درروهه، فرانک لوید رایت، آلوار آلتو و لوبی کان، بر قرن بیستم تأکید می‌شود. در مجموع، امروزه به‌ندرت درس تاریخ با دروسی همراه است که نیازمند تهیهٔ نقشه‌های ترسیمی از ساختمانهای تاریخی باشد؛ در حالی که سنت برداشت از بناهای تاریخی از مهم‌ترین پایه‌های آموزش معماری در فرانسه بوده است.

اگرچه هاوئرد در مقالهٔ خود دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در کشورهای انگلستان و استرالیا بحثهای خوبی در زمینه اهداف و کاربردهای آموزش تاریخ معماری آورده، مشخصاً دربارهٔ محتوا و روشهای آموزش تاریخ معماری در این کشورها سخنی نگفته است.

## اهداف و کاربردها و دیدگاهها در آموزش تاریخ معماری

از حدود دههٔ ۱۹۲۰، به علت ظهور جنبشهای مدرن و گرایشهای جدید، تاریخ معماری به‌تدریج محوریت خود را در آموزش معماری کشورهای آلمان و اتریش و سوئیس از دست داد و خطر کم‌توجهی آن را تهدید کرد. امروزه مدارس معماری این کشورها بیشتر به استخدام منتقدان معماری علاقه دارند تا استخدام مورخان معماری. در نتیجه، مورخان معماری روزبه‌روز از مدارس معماری فاصلهٔ بیشتری می‌گیرند. به منظور حفظ اهمیت تاریخ معماری در کشورهای یاد شده، توجه به این عوامل ضروری می‌نماید: توسعهٔ انجمنهای حرفه‌ای و صنفی، توجه به موضوع رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری، توجه و ابراز علاقهٔ مدرسان به فعالیت در زمینهٔ موضوعات تاریخی، توجه به اهمیت آموزش تاریخ معماری در رشتهٔ معماری، تحقیق در موضوعات مختلف در تاریخ معماری.

در امریکای لاتین، چون تاریخ معماری را معمارانی آموزش می‌دهند که درجهٔ دکتری یا تخصص در تاریخ

معماری دارند و نه مورخان هنر، تحقیقات پایه در زمینهٔ تاریخ معماری کاهش یافته و همچنین در فعالیت طراحی، بر تئوری بیشتر از تاریخ معماری تأکید شده است. موضوع توجه به معماری بومی در امریکای لاتین از دههٔ ۱۹۲۰ آغاز و از سال ۱۹۵۰ جدی‌تر شد. برگزاری مسابقات معماری، اعطای بورس، و سرمایه‌گذاری برای تشویق حفظ آثار و مرمت بناها و آثار تاریخی به منزلهٔ هویت ملی و نیز تقویت محققان و طراحان معماران حرفه‌ای و برگزاری همایشها و سمینارها از فعالیتهایی است که شروع شده و در صورت توسعه می‌تواند در ترویج بیشتر تاریخ معماری بومی اثرگذار باشد.

هاوئرد در مقالهٔ «آموزش تاریخ معماری در انگلستان و استرالیا» به مجموعه‌ای از مباحث متنوع در زمینهٔ اهداف و کاربردها و دیدگاهها در آموزش تاریخ معماری بدین قرار پرداخته است:

- آموزش تاریخ معماری به دانشجویان معماری با دانشجویان هنر متفاوت است. انگیزه و علاقهٔ دانشجویان معماری به مباحث تاریخ معماری بیش از دانشجویان هنر است؛ حتی اگر آنچه می آموزند با کارگاه طراحی معماری ارتباطی نداشته باشد.
- معماران نیز تاریخ معماری را به گونه‌ای متفاوت با مورخان هنر عرضه می‌کنند. بسیاری از این معماران شروع تاریخ معماری را از دههٔ ۱۹۰۰ به بعد می‌دانند. برخی از آنها معتقدند همان قدر که تئوری معماری موضوعی مهم در آموزش معماری است، تاریخ معماری موضوعی نامربوط است.
- نبودن ارتباط مناسب میان تاریخ و تئوری معماری (مثلاً آموزش تاریخ معماری پیش از دوران مدرن) برای مدرس تاریخ معماری مشکل‌آفرین شده است. این در حالی است که عرضهٔ موضوعات این‌چنین در افزایش آگاهی دانشجویان، خصوصاً در تفسیر عمومی مطالب و همچنین ارتباط میان تئوری و عمل در گذشته و امروز بسیار مؤثر است. همهٔ همکاران این رشته در انگلستان و استرالیا جدایی عقلانی میان تئوری و تاریخ و نیز هم‌پوشانی آنها را تصدیق می‌کنند. بسیاری افراد به آموزش تئوریهای معماری گذشته بیشتر از تئوریهای معماری امروز اهمیت می‌دهند. البته بسیاری نیز به آگاهی از تئوری رایج معتقدند و برآنند که اصولاً نه تئوری مطلوب بدون تاریخ می‌تواند وجود داشته باشد، نه تاریخ مطلوب بدون تئوری. هر دو نظریه، یعنی تئوری و تاریخ جدا از هم یا تئوری و تاریخ جداناشدنی، قابل بحث است. مهم‌تر از این، کاربرد تئوری در طراحی معماری است، که ظاهراً نیل به آن دشوار است. در مدارس معماری استرالیا، تاریخ معماری به منظور به دست آوردن ایدهٔ طراحی معماری در کارگاههای طراحی معماری به کار گرفته می‌شود. ضمناً باید یادآور شد که در این کشور، اصولاً عرضهٔ یک نوع تئوری رایج در مدارس تقریباً ممنوع است.
- در خصوص موضوع فرهنگ در تئوری و تاریخ معماری، می توان بحثهائی همچون هویت و تفاوت فرهنگها، خودی و غیرخودی، بومی و جهانی، درون‌گرا و برون‌گرا را طرح کرد. از آنجا که در انگلستان، زمینهٔ مطالعات فرهنگی قوی‌تر است، این حوزه در این کشور گسترده‌تر است.
- در درس تاریخ معماری، طرح موضوعاتی چون فناوری، مواد و مصالح، کارکرد بنا، نقش مهندسان معمار و کارفرمایان و اهمیت حفاظت و مرمت به منظور ارتقای کیفیت طراحی معماری دانشجویان لازم است.
- فارغ‌التحصیلان باستان‌شناسی چون آموزشهای‌شان کاربردی‌تر از مورخان معماری است، توفیقشان در یافتن شغل بیشتر است. به همین علت و در این رقابت، لازم است که در کنار آموزش تاریخ معماری به دانشجویان معماری، دانشهایی چون تاریخ فناوری ساختمان، طراحی دست آزاد و اسکیسهای دستی، عکاسی، آزمایشهای عملی بدنه و سازهٔ ساختمان را نیز آموزش داد.
- عرضهٔ تاریخ معماری از زاویهٔ سیر تحول تاریخی معماری به منظور درک خلاقیتها و تصورات ذهنی دانشجویان اهمیت دارد. هر مطالعه‌ای که قرار باشد در آن علتها بررسی شود نیازمند بررسی سیر تحول است. دیدگاههای موضوعی همچون مطالعات سبک‌شناسی نیز به جای خود ارزشمند است، اما درک آنها وابسته به آگاهی از سیر تحول تاریخی است. البته ظاهراً دانشجویان (در انگلستان و استرالیا) علاقه‌ای به این

روش مطالعات تاریخی ندارند؛ شاید به این علت که از دوران دبیرستان، دانش پایهٔ کافی از موضوع تاریخ به دست نیاورده‌اند.

- «معیار» نیز در تاریخ معماری نقش مهمی دارد. «معیار» گاهی جنبه‌های مثبت دارد و گاهی منفی. از جنبه‌های مثبت آن تحقق یافتن آرمانهاست، که آن را می‌توان در معیارها جستجو کرد؛ اما امروزه با توجه به افزایش دانشجویان دیگر کشورها، معیارهای غربی مسئله‌ساز شده است.این موضوع در استرالیا که تنوع فرهنگی بیشتری دارد بارزتر جلوه می‌کند. از طرفی باید توجه کرد که در صورت توجه به «معیار»ها، احتمالاً به معماری بومی یا محلی کمتر توجه می‌شود. لذا توجه به معماری بومی در مقابل «معیار»های غربی، با توجه به توسعهٔ نظریهٔ دهکدهٔ جهانی، در معرض تهدید قرار می‌گیرد.
- از نظر هاوئرد، بهترین مدرسان تاریخ معماری کسانی‌اند که این درس را خارج از کلاس و در بسترهای تاریخی عرضه می‌کنند. در همین سفرها می‌توان دربارهٔ معیارها مطالعه و بحث کرد.
- غیر از توجه به توسعهٔ کرسیهای استادی تاریخ معماری در انگلستان، حفظ باور به اهمیت موضوع تاریخ معماری و تواناییهای آن نیازمند فعالیت پرتوان و باانگیزهٔ مدرسانی است که در این زمینه اندیشه‌هایی هوشمندانه دارند.

در ایالات متحد امریکا، شیوهٔ ارتباط مناسب تاریخ معماری با آموزش و تمرینهای معماری هنوز از موضوعات مورد بحث است. حتی در مواردی که مورخان با کارگاه طراحی معماری مرتبط‌اند، فعالیتهای تحقیقاتی ایشان در زمینهٔ تاریخ با همکارانی ارتباط دارد که در این رشته فعالیت می کنند؛ مثلاً فعالان در گروه تاریخ. در برخی دانشگاهها به منظور آموزش مورخان معماری خلاق و بااستعداد و مولد با توان همکاری بسیار در زمینه‌های تحقیقات و آموزش در منطقه، اقدام به برپایی دوره‌های آموزشی تاریخ معماری (مثلاً کارشناسی، کارشناسی ارشد، یا دکتری) کرده‌اند. البته دوره‌های دکتری در تربیت محققان اهمیتی ویژه دارد.برخی دانشگاهها نیز در موضوع تاریخ معماری دوره‌های مشترک دارند. امروزه به نظر می‌رسد که آموزش تاریخ معماری در ایالات متحد دیگر همچون خدماتی نیست که استادان گروههای بیرون از دانشکده‌های معماری جداگانه عرضه کنند.

در هلند می‌کوشند دروس تاریخ معماری در تعامل بیشتر با کارگاههای طراحی معماری عرضه شود. به همین علت، دانشجویان معماری در هلند معمولاً با کمبود آموزش تاریخ معماری مواجه‌اند و بیشتر مدرسان نیز از این وضع ناراضی‌اند. برای حل این مشکل، می‌کوشند تا دروسی چون برداشت را به صورت درس مستقل از کارگاه طراحی معماری عرضه کنند. در نتیجه، در هلند تاریخ معماری را موضوعی تکمیلی در کنار آموزش معماری تلقی می‌کنند و قصد برنامه‌ریزان توجه به تاریخ معماری چون موضوعی اطلاعاتی و ابزاری در کنار طراحی معماری است. اما در بلژیک، روش سنتی با این نگرش است که دروس آموزش تاریخ معماری مجزا از کارگاه طراحی معماری باشد. در این روش، امید می‌رود که دانشجویان بتوانند زمانی خودشان میان نظر و عمل ارتباط برقرار کنند. وجود مباحث تئوری معماری در آموزش تاریخ معماری در بلژیک شاید به همان علت فرهنگ سنتی آموزش معماری در این کشور باشد، که هنوز شیوهٔ آموزش بوزار در دانشکده‌های معماری این کشور باقی است.

در ژاپن از سال ۱۸۸۹، درس کاملی دربارهٔ معماری ژاپنی به برنامهٔ آموزش معماری دانشگاه توکیو اضافه شد. فارغ التحصیلان و مدرسان با چاپ کتب و مقالات، آموزش دادن تاریخ معماری ژاپن و طراحی معماری مرتبط با تاریخ، در رواج تفکر معماری بومی و ارتباط بخشیدن آن با معماری امروز ژاپن نقش بسیار مؤثری ایفا کردند. محتوای معماری مدرن در ژاپن معمولاً ترکیبی از معماری غربی و ژاپنی است. بیشتر کتب تاریخ معماری غربی نیز به زبان ژاپنی ترجمه شده، و در زمینهٔ معماری بومی ژاپن و ارتباط آن با معماری غرب یا دیگر نقاط جهان نیز کتب متعددی به چاپ رسیده است. به همین علت، یکی از خصوصیات مهم معماری ژاپن در دوران معاصر برقراری ارتباط بیشتر حرفهٔ معماری با نقاط مختلف جهان است. در ژاپن، تاریخ معماری جزئی از برنامه‌ای روشمند در آموزش طراحی معماری و تربیت معماران آینده شناخته می‌شود و تدریس در این مبحث ارتباط مستقیم با حرفهٔ معماری دارد. گرچه مورخان

معماری با همکاران خود در رشته‌های دیگر، چون تاریخ هنر، درارتباط‌اند؛ تدریس تاریخ معماری به دست اعضای این گروهها کمتر اتفاق می‌افتد. اما تدریس در این کشور در حال تغییر و تحول است؛ مثلاً موضوعات تاریخ معماری در حال گسترش و هدایت به سوی موضوعات جدید (خارج از کشور ژاپن) است. همچنین موانع موجود بر سر راه ارتباط میان مؤسسات کم‌کم در حال برچیده شدن است. مورخان معماری به سوی علوم اجتماعی و دیگر علوم گرایش جدی دارند و این گرایش کم‌کم به آموزش نیز راه یافته است. به همین گونه، مورخان هنر، منتقدان فرهنگی، و دیگر صاحب‌نظران نیز راه خود را به تاریخ معماری باز می‌کنند؛ و این باعث تغییر مسیر تاریخ معماری در این کشور خواهد شد.

در فرانسه و در حدود سال ۱۹۶۸، فقط اندکی از مورخان هنر با مطالعات معماری آشنا بودند، آموزش تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری به معماران اختصاص داشت، و به‌ندرت محلی برای تفکر خلاقانه بود. از آن زمان تاکنون، نگرش به آموزش معماری در مدارس معماری فرانسه بسیار متنوع شده؛ و این نه فقط در آموزش طراحی معماری، بلکه در نقش تاریخ معماری در آموزش طراحی معماری نیز مطرح شده، که محورهای اصلی آن چنین است:

- محتوای آموزش تاریخ معماری جدا از مطالبی چون تاریخ هنر قدیم و جدید، تاریخ سبکها و آثار اصلی معماری، به موضوعات متنوعی چون تاریخ فناوری، برنامه‌ریزی منابع، تاریخ حرفه، مرمت و مدیریت حفظ آثار باستانی سوق یافته است. با شروع همکاری میان مدارس معماری و دانشگاهها، نقش دانشکده‌های تاریخ هنر که قبلاً به مدارس معماری خدمات می‌دادند، کمتر شده است. مدارس معماری نیز با هدف آموزش تاریخ باید به منظور تربیت معماران حرفه‌ای برنامه‌ریزی کنند.
- این اتفاقات باعث شده که بسیاری از معماران به همان اندازه که به موضوع طراحی معماری اهمیت می دادند، به مسائل مربوط به تاریخ معماری نیز توجه کنند و به سوی تحقیق در زمینهٔ تاریخ معماری سوق یابند؛ در حالی که قبلاً فقط اندکی از آنان مورخ بودند. مدرسان نیز البته از این قاعده مستثنا نیستند. به‌علاوه، باید شاهد تغییرات جدیدی هم باشیم که از نگاه مثبت فرانسه به ارتباطات خارجی برای دریافت شیوه‌های جدید آموزشی، جذب دانشجو از خارج، و موضوعات جدید تحقیق ناشی شده است. اینها همگی از نشانه‌های تغییر در آموزش تاریخ معماری در فرانسه است.
- برعکس گذشته که برخی معتقد بودند آموزش صحیح تاریخ معماری منجر به تربیت معماران خوب می‌شود، امروزه تاریخ معماری نقش باشکوه و محوری خود را در آموزش معماری در فرانسه از دست داده است.
- امروزه در جهان تقریباً همه معتقدند که جدا کردن دروس تاریخ معماری از کارگاههای طراحی معماری مشکلاتی به همراه دارد؛ اما مشخصاً معلوم نیست که چگونه باید آموزش تاریخ را در برنامه گنجاند. عده‌ای معتقدند که باید به تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری توجه کرد؛ و عده‌ای بر این عقیده اند که این مبحث باید جداگانه عرضه شود. معمولاً استادان جوانی که تحصیلات تکمیلی (یا دکتری) خود را در رشتهٔ تاریخ یا شهرسازی به انجام رسانده‌اند، به صورت دوم معتقدند و فکر می‌کنند که تاریخ معماری باید نه به شیوهٔ ابزاری، بلکه به صورت موضوعی میان‌رشته‌ای عرضه شود. البته در این میان برخی نیز هستند که به موضوع طراحی معماری به منزلهٔ پشتوانه‌ای برای تفکرات تاریخ معماری می‌نگرند (یعنی طراحی معماری را ابزاری برای پیشبرد تاریخ معماری می دانند)، یا تاریخ معماری را به منزلهٔ تاریخ تولیدات معماری در ارتباط با مفاهیم شهر و فرهنگ خاص مطرح می‌کنند. این نگاه متأخر، که هم‌زمان به تاریخ فرهنگ و امور اجتماعی و تولیدات معماری معطوف است، از نگرش واقع‌بینانه به درک طراحی و معماری نشئت می‌گیرد.

## جمع‌بندی

آموزش دانشگاهی[۳۷] تاریخ معماری تقریباً هم‌زمان با شروع آموزش رشتهٔ معماری در مؤسسات آموزش عالی جهان آغاز شد. از اولین پایه‌گذاران آموزش دانشگاهی رشتهٔ معماری در جهان کشورهای فرانسه و آلمان‌اند، که آموزش تاریخ معماری را از حدود اوایل قرن نوزدهم با شیوهٔ درآمیخته با کارگاههای طراحی معماری به دست

(37) Academic

مدرسان کارگاهها و نیز محتوای آموزش سبک‌شناسانه آغاز کردند. کشورهای امریکا و انگلستان و ژاپن هم آموزش تاریخ معماری را از حدود اواخر قرن نوزدهم با همان شیوه و محتوا آغاز کردند. مهم‌ترین تغییرات در آموزش تاریخ معماری از حدود اوایل قرن بیستم، تقریباً در همهٔ این کشورها و در همهٔ زمینه‌های یاد شده آغاز شد.[۲۲] در این زمان، به‌تدریج آموزش تاریخ معماری از کارگاههای طراحی معماری جدا شد و به صورت درسی مستقل به دست مورخان هنر یا مورخان معماری با محتوای جدید غیر از آموزش سبک‌شناسانه، شامل مجموعه‌ای از تجارب ساختمانی چون روشها و فناوریهای ساخت‌وساز گذشته، حجم و شکل‌شناسی، توجه به حرفه و علوم اجتماعی عرضه شد.

امروزه موضوع تاریخ معماری معمولاً به صورت درسی اجباری در سالهای اول دورهٔ کارشناسی معماری در مدارس یا دانشکده‌های معماری جهان عرضه می‌شود. این موضوع در سالهای آخر دورهٔ کارشناسی، دوره‌های کارشناسی ارشد، یا دکتری با توجه به اهداف آموزشی، ممکن است به صورت اجباری یا اختیاری عرضه شود. تاریخ معماری ممکن است که به منزلهٔ درسی اختیاری در دیگر رشته‌ها یا دانشکده‌ها، همچون رشتهٔ تاریخ هنر یا دانشکده‌های هنری نیز عرضه شود. مدرسان تاریخ معماری یا از مورخان معماری‌اند، یا معمارانی که تخصص در تاریخ معماری دارند، یا مورخان هنر با تخصص معماری.

مدارک و اسناد نوشتاری و تصویری و سه‌بعدی از آثار معماری گذشته از مهم‌ترین منابع خام تاریخ معماری به شمار می رود. مجموعهٔ تحقیقات و مقالاتی که با استفاده از این مدارک و اسناد در قالب کتب یا مجلات تهیه می‌شود، معمولاً به منزلهٔ مرجع آموزش تاریخ معماری در آموزشکده‌های معماری به کار می‌رود. از آنجا که این فعالیت در کشورهای غربی سابقهٔ طولانی‌تری دارد، امروزه مراجع (کتب و مقالات) آموزش تاریخ معماری غربی بیشتر از کشورهای دیگر عمومیت یافته است. به همین علت، این مراجع معمولاً به زبان کشورهای مختلف دنیا ترجمه شده است. البته باید یادآوری کرد که در برخی کشورهای غیرغربی همچون ژاپن نیز در این زمینه فعالیتهای مشابهی صورت گرفته که باعث رشد و تعالی مناسب مراجع تاریخ معماری در این کشور شده است. شیوهٔ استفاده از مراجع نیز متفاوت است. در مقابل ایدهٔ معرفی برخی کتب مرجع مشخص در آموزش تاریخ معماری، در برخی از مدارس ترجیح می دهند که دانشجویان از امکان انتخاب گسترده‌تری در استفاده از مراجع برخوردار باشند؛ لذا به جای عرضهٔ برخی کتب مشخص، مراجع متعددی را شناسایی و به دانشجویان معرفی می‌کنند. اما از مهم‌ترین مراجع آموزش تاریخ معماری مراجعه به خود آثار است که در آموزش تاریخ معماری برخی مدارس یا کشورها با جدیت بدان توجه می‌شود. مراجعه به آثار تاریخ معماری از سفرهای کوتاه‌مدت و بلندمدت تا دوره‌های کارآموزی چندماهه یا چندساله، با روشها و محتوای آموزشی متنوع در آموزشکده‌های معماری دنیا پی‌گیری می‌شود.

امروزه غیر از برخی استثناها، تاریخ معماری غربی عمدتاً قرون نوزدهم و بیستم را شامل می‌شود؛ در حالی که تاریخ معماری غیرغربی معمولاً از دوران باستان تا قرن نوزدهم را پوشش می دهد. محتوای آموزش تاریخ معماری نیز، غیر از برخی موارد، عمدتاً از صورت سبکها یا موارد خاص خارج شده و به موضوعات جدید، شامل تاریخ ساخت‌وساز یا فناوری، تاریخ حرفه، تاریخ اجتماعی و فرهنگی معماری روی آورده است. به‌علاوه، محتوای تاریخ معماری از صورت انحصاری معماری غربی خارج و به‌تدریج معماری غیرغربی و بومی کشورها را نیز در بر گرفته است. در برخی آموزشکده‌های معماری (همچون آموزشکده‌های کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس، و تا حدودی بلژیک) توجه به محتوای کاربردی تاریخ معماری، چون مرمت یا حفاظت آثار تاریخی، و در آموزشکده های دیگر (همچون آموزشکده‌های فرانسه) توجه محتوای نظری یا هنری آن، چون تاریخ سبکها، بیشتر است.

درس برداشت از بناهای تاریخی نیز به همین روی وضع متفاوتی دارد. در برخی آموزشکده‌ها، به منظور مواجههٔ جدی‌تر دانشجویان با بنا، هنوز به این درس توجه می‌شود؛ اما این درس دیگر به‌تدریج آن صورت ترسیمی گذشته را، که بیشتر به وجوه ظاهری بناها متوجه بود، از دست داده است.

امروزه غیر از برخی موارد استثنا، تاریخ معماری

عمدتاً به صورت درسی مستقل و خارج از کارگاههای طراحی معماری عرضه می‌شود. علاوه، به موضوعات تاریخ، تئوری، و نقد نیز خود معمولاً به صورت دروس مستقل توجه می‌شود.

با بررسی مقاله‌ها به‌نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش تاریخ معماری بهره‌گیری از مطالب فراگرفته و استفاده از آنها در تمرینهای طراحی معماری است. تاریخ معماری در برخی مدارس به منظور کسب ایدهٔ طراحی آموزش داده می‌شود. برخی معتقدند که تفکر خلاقانه در این زمینه با آموزش تاریخ معماری خارج از کارگاه طراحی معماری روی می‌دهد؛ زیرا که امکان بحث و تبادل نظرِ بیشتر به همراه عرضهٔ طیف گسترده‌تری از مباحث وجود دارد. طرح موضوعات تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری خطر کمبود محتوای آموزش تاریخ معماری را در پی دارد؛ اما از طرف دیگر، طرح مباحث تاریخ معماری خارج از کارگاه نیز امکان جدایی و بهرهٔ مناسب نگرفتن از آنها را پیش می‌آورد. هنگامی که درس تاریخ جدا از تمرینهای طراحی معماری عرضه می‌شود، امید است که دانشجویان بتوانند روزی میان آنها ارتباط برقرار کنند. ترکیبی از پیشنهادهای مزبور نیز ممکن است روی دهد؛ اما حتی هنگامی که مورخان تاریخ معماری (که معمولاً دروس تاریخ را عرضه می‌کنند) در کارگاههای طراحی معماری فعالیت می‌کنند، ارتباطشان با فعالان گروه تاریخ بیشتر از طراحان حرفه‌ای معماری است. البته این موضوع ارتباط مستقیم با محتوای آموزش تاریخ معماری نیز دارد. هرچه محتوای تاریخ معماری به سوی مباحث تئوری معماری روی می‌آورد و از مباحث تاریخی فاصله می‌گیرد بیشتر مورد توجه معماران و کارگاههای طراحی معماری قرار می‌گیرد. به همین لحاظ نیز معمولاً مدرسان تاریخ معماری با تخصص معماری مقبول‌تر از مورخان هنرند. به‌علاوه، منتقدان معماری نیز بیش از مورخان معماری مورد توجه‌اند. تقریباً همه معتقد به جدایی عقلانی در تئوری و تاریخ معماری، در عین هم‌پوشانی آنهایند. اصولاً شاید بتوان گفت که تئوری مطلوب بدون تاریخ و تاریخ مطلوب بدون تئوری وجود ندارد. اما آموزش تئوری و تاریخ جدا از هم یا درهم آمیخته نیز هنوز محل بحث و کشمکش است. شیوهٔ آموزش تئوری معماری نیز البته محل اختلاف است و اصولاً کاربرد تئوری در طراحی معماری دشواریهای خود را دارد. عرضهٔ تئوری معماری گذشته یا تئوری معماری رایج، بحث دربارهٔ یک تئوری در تمرینهای معماری، یا عرضهٔ تئوریهای مختلف معماری، و در انتها اضافه کردن موضوع نقد و جایگاه آن از موضوعات مورد بحث در این زمینه است. در صورت پذیرش این نظر کانوی و رونیش که «تاریخ از همین امروز {رو به گذشته} آغاز می‌شود»،[۲۳] همهٔ آنچه را تئوری معماری می‌نامیم نیز می‌توان جزء یا نتیجه‌ای از تاریخ معماری دانست.

از دیگر فواید آموزش تاریخ معماری افزایش آگاهی دانشجویان در تفسیر عمومی مطالب و همچنین برقراری ارتباط میان تئوری و عمل در گذشته و امروز است. در برخی کشورها تلاشهای بسیاری به منظور برقراری ارتباط میان تاریخ معماری با فعالیتهای حرفه‌ای امروز شده است ــ اقداماتی چون ترویج توجه به معماری بومی، ثبت اطلاعات تاریخ معماری گذشته، چاپ و انتشار مقالات در این زمینه‌ها، و نیز فعالیتهای حرفه‌ای مرتبط با زمینه‌های تاریخی. علاوه بر برقراری ارتباط میان گذشته و امروز، برخی از آموزشکده‌های معماری به منظور خلق ایده‌های جدید و برای تبیین فعالیتهای آینده به آموزش تاریخ معماری می‌پردازند. در این جهت، کانوی و رونیش نیز معتقدند که «هدف از مطالعهٔ معماری و تاریخ آن نه فقط کوشش برای فهم گذشته، بلکه کوشش برای فهم رابطهٔ گذشته و آینده است.»[۲۴]

علاوه بر آنچه آمد، بررسی سیر تحولات تاریخی نیز به منظور تقویت درک خلاقیت و تصورات ذهنی دانشجویان مؤثر است. و در ادامه، پس از درک سیر تحولات تاریخی، آموزش «سبک‌شناسی» و «معیار»ها نیز ارزشمند و مفید خواهد بود.

امروزه موضوعهای جدیدی چون تاریخ فناوری، مواد و مصالح، کارکرد بنا، کارفرمایان، حفاظت و مرمت، آزمایشهای عملی بدنه و سازهٔ ساختمان، علوم اجتماعی، فرهنگی، نقش مهندسان معمار و تاریخ حرفه به منظور دست‌یابی به اهداف و کاربردهای جدید مورد انتظار از آموزش تاریخ معماری در محتوای این درس گنجانده شده است.

## سخن آخر

در این قسمت، خلاصه‌ای از نظرهای نویسنده در مطالب کلی در زمینهٔ آموزش تاریخ معماری عرضه می‌شود.

به‌نظر می‌رسد که می‌توان به آموزش تاریخ معماری از دو منظر کلی توجه کرد: ۱) به منزلهٔ دانشی کمکی همچون دانشهای دیگر (مثلاً فن ساختمان) در آموزش رشتهٔ معماری؛ ۲) به منزلهٔ دانشی مستقل که باید بدان پرداخت و آن را توسعه و ارتقاء بخشید. با توجه به اهداف پیش‌بینی شده در برگزاری مقاطع مختلف آموزش عالی در ایران، منظر اول را می‌توان بیشتر در دوره‌های کارشناسی معماری اختیار کرد؛ و منظر دوم را در دوره‌های دکتری معماری یا علوم وابسته (تاریخ، تاریخ هنر، ...). دوره‌های کارشناسی ارشد نیز ممکن است طیفی از هر دو منظر را در برگیرند. البته در صورت روشن کردن وضع آیندهٔ فارغ التحصیلان (شغل یا ادامهٔ تحصیل)، می‌توان دوره‌های کارشناسی تاریخ معماری را نیز با هدف ارتقای دانش تاریخ معماری تأسیس کرد. دوره‌های دکتری تاریخ معماری غیر از توسعهٔ مرزهای دانش تاریخ معماری و روشن کردن وجوه تاریک آن، مدرسان آینده را نیز در این رشته تربیت می‌کند. با این فرض، برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند به منظور تربیت مدرسان در شاخه‌های مختلف تاریخ معماری ممکن خواهد شد.

اما تحقیق در زمینهٔ تاریخ معماری بدون در دست داشتن اطلاعات میسر نیست. تهیه و دسته‌بندی و آماده‌سازی (چاپ و انتشار) مدارک از نیازهای بنیادی تحقیق در هر زمینه‌ای، من‌جمله تاریخ معماری است.

اگر به حرکت در جهت معماری بومی خود علاقه داریم، ابتدا باید آن را خوب بشناسیم. برای این منظور، راهی جز تهیهٔ اطلاعات و مدارک تفصیلی و کامل از تاریخ معماری بومی ایران نیست.

> برای آنکه معماران بتوانند واکنش درستی به تاریخ نشان دهند، ابتدا باید تاریخ را به‌خوبی بفهمند و به ایده‌های رایج معمارانه در قالب چارچوب تاریخی وسیع‌تری بنگرند.[۲۵]

اما مهم‌ترین مبحث در آموزش تاریخ معماری محتوا و روش آموزش آن است. محتوای آموزش تاریخ معماری غیر از عناوین رایج، ممکن است طیفی از مباحث عمومی و نظری و کاربردی در رویکردهای مختلف عملی و تاریخی و زیبایی‌شناسانه و نیز تبیینهای مختلف عقلی و فناورانهٔ ساختمان، اجتماعی، دینی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و روح زمانه را شامل گردد.[۲۶]

به‌علاوه، روشهای آموزش نیز ممکن است طیفی از آموزشهای نظری، کاربردی، یا میدانی را در بر گیرد. با توجه به فرصت کوتاه آموزش، مسلماً نمی‌توان همه چیز را، و آن هم به شیوه‌های مختلف، آموزش داد؛ و باید محتوا و روش آموزش مورد نظر را از میان طیف گستردهٔ موجود انتخاب کرد. بسط این موضوع خود مقاله‌ای مفصل می‌طلبد؛ تنها برای روشن کردن محور اصلی موضوع، اشاره می‌کنیم که انتخاب محتوا و روش آموزش هر موضوع آموزشی (همچون تاریخ معماری) در یک دورهٔ آموزشی بر اساس اهداف برنامهٔ آموزشی دوره قابل شناسایی و تدوین است. بر این اساس، برنامه‌ریزان آموزشی با توجه به اهداف آموزشکده و اهداف برنامهٔ آموزشی آن دوره هر دوره، محتوا و روش آموزش دروس، از جمله تاریخ معماری را نیز تعیین می‌کنند. این موضوع بسیار مهم است؛ و پیداست که با عرضهٔ درس تاریخ معماری با محتوای واحد اما با شیوه‌های متفاوت به اهداف آموزشی متفاوتی دست می‌یابیم.

در پایان شایسته است یادآوری کنیم که امروزه مسیر آموزش تاریخ معماری در حال تغییر است. آموزش تاریخ معماری در عین ارج نهادن به معماری بومی و خودی، به‌تدریج به سوی جهانی اندیشیدن، تجربه‌اندوزی از تاریخ معماری دیگر کشورهای جهان (خصوصاً آنهایی که قبلاً بدانها کمتر توجه شده)، تنوع محتوایی، و پهنهٔ گسترده‌تر موضوعی سوق یافته است.□

### کتاب‌نامه


کانوی، هیزل و راوئن رونیش. «تاریخ معماری چیست؟»، ترجمهٔ حمیدرضا خوئی، در: *گلستان هنر*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، ص ۲۴ـ۳۶.

Anderson, Stanford. "Architectural History in Schools of Architecture", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 58, no. 3.; Architectural History 1999/2000 (Sep., 1999), pp. 282-290.

Bergdoll, Barry and Alice Thomine. "Teaching Architectural History in France: A Shifting Institutional Landscape", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No. 4 (Dec. 2002), pp. 509-518

Castex, Jean. *Renaissance, Baroque et Classicisme, History de L'Architecture, 1420-1720*.

Conway, Hazel and Rowan Roanisch. *Understanding Architecture*.

Fergusson, James. *A History of Architecture in all Countries from the Earliest Times to the Present Day*.

Frampton, Kenneth. *Modern Architecture: A Critical History*, London, 1980.

Fujimori Terunobu, *Nibon no kindai kenchiku*, Tokyo, 1993.

Gideon, Siegfried. *Space, Time, and Architecture*, Cambridge, Mass., 1967.

Heynon, Hilde and Kristade Jonge. "Teaching of Architectural History and Theory in Belgium and the Netherlands", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, no. 3 (Sep. 2000), pp. 335-345.

Honour, Hugh and John Flemming. *World History of Art*.

Howard, Deborah. "Teaching Architectural History in Great Britain and Australia: Local Conditions and Global Perspectives", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, no. 3 (Sep. 2002), pp. 346-354.

Kostof, Spiro. *A History of Architecture*, New York, 1985.

Neumann, Dietrich. "Teaching the History of Architecture in Germany, Austria and Switzerland: Architekturgeschichte vs. Bauforschung", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No. 3 (Sep. 2002), pp. 70-380.

Ota Hirotaro. *Nibon no kenchiku*, Tokyo, 1968.

Reynolds, Jonathan M. "Teaching Architectural History in Japan: Building a Context for Contemporary Practice", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, no .4 (Dec. 2002), pp. 530-536.

Roth, Leland. *Understanding Architecture*.

Suzuki Hiroyuki and Yamaguchi Hiroshi (eds.). *Kindai gendai kenchikushi*, Tokyo, 1993.

Torre, Susana. "Teaching Architectural History in Latin America: The Elusive Unifying Architectural Discourse", in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, vol. 61, no. 4 (Dec. 2002), pp. 549-558.

Watkin, David. *A History of Western Architecture.*

## پی‌نوشتها

۱. عضو هیئت علمی دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

2. *The Journal of the society of Architectural Historians*.

۳. البته مقالهٔ خانم هاوئرد با عنوان *«آموزش تاریخ معماری در کشورهای انگلستان و استرالیا»* عمدتاً به کشور انگلستان و مقالهٔ آقای براون با عنوان *«آموزش تاریخ معماری در کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس»* عمدتاً به کشور آلمان می‌پردازد. این‌گونه می‌توان پنداشت که آموزش تاریخ معماری در کشورهای استرالیا مشابه انگلستان، و در اتریش و سوئیس مشابه آلمان است.

۴. شایان ذکر است که تجزیه و تحلیل مطالب عمدتاً بر اساس اطلاعات موجود در مقالات صورت گرفته و تنها در برخی موارد مطالب تکمیلی که در دسترس نویسنده بوده به صورت مکمل ارائه شده است. لذا روشن است که تجزیه و تحلیلها ممکن است به سبب نبود اطلاعات کامل در برخی موارد که تنها با ارجاع به مقالات صورت گرفته، نقایصی داشته باشد. امیدوار است خوانندگان محترم در صورت دسترس به مستندات دیگر، نویسنده را برای بررسیهای آتی راهنمایی کنند.

۵. در برخی موارد نیز، البته به‌ندرت، با مراجعه به اصل مقالات، پاره‌ای از مطالب ضروری که در بخش نخست (خلاصهٔ مقالات) عرضه نشده بود، برای تکمیل بحثها عرضه خواهد شد.

۶. مشخصات مقاله‌ها در کتاب‌نامه آمده است.

۷. راوئن و رونیش، «تاریخ معماری چیست؟»، ص ۳۳.

۸. موارد استثنا شاید فقط مؤسسات تاریخ و تئوری معماری باشند که در سالهای بالاتر نیز دروس اجباری تاریخ معماری دارند.

۹. طبق گفتهٔ برگدول و تومین در نویسندگان مقالهٔ «آموزش تاریخ معماری در فرانسه»، بیشتر مدرسان تاریخ معماری در ایالات متحد امریکا مدرک دکتری تاریخ معماری یا هنر از مدارس معماری دارند.

۱۰. البته برگدول تومین تنها در مورد دانشگاههای پاریس ۱ و ۴ توضیح داده‌اند.

11. *The Journal of the Society of Architectural Historians*.

12. Roth, *Understanding Architecture*.

13. Conway and Roanisch, *Understanding Architecture*.

14. Watkin, *A History of Western Architecture.*

15. Cactex, *Remaissance, Baroque et Classicisme ...* .

16. Frampton, *Modern Architecture.*

17. Fujimori, *Nibom no kindai kenchikushi.*

18. Suzuki and Yamaguchi, *Kindai gendai kenchikuchi.*

19. Ota, *Nibon no kenchiku*.

20. Kostof, *A History of Architecture.*

21. Gideon, *Space, Time and Architecture.*

۲۲. البته در فرانسه از همه دیرتر و بعد از حدود اواسط قرن نوزدهم این تغییرات روی داد.

۲۳. کانوی رونیش، «تاریخ معماری چیست؟»، ص ۲۴.

۲۴. همان، ص ۲۴ و ۲۵.

۲۵. همان، ص ۳۴.

۲۶. این دو دسته‌بندی آخر از مرجع قبل به عاریت گرفته شده است.